

حدیث شبلی در اسرار حج؛ روایت شیعیان یا حکایت صوفیان؟

احمد خامه‌یار^۱

چکیده

در برخی از متون متأخر شیعه، گفت‌وگویی میان امام زین‌العابدین علیه‌السلام با شخصی به نام «شبلی» نقل شده که در آن، امام علیه‌السلام به تأویل مناسک حج و اسرار معنوی آن با صبغة عرفانی پرداخته است. این روایت از زمانی که محدث نوری آن را در «مستدرک الوسائل» نقل کرده، مورد توجه و استناد نویسندگان معاصر شیعه قرار گرفته است. با این حال، درباره این روایت، ابهامات متعددی در زمینه سند، اعتبار و ماهیت شخص مورد خطاب امام علیه‌السلام وجود دارد که نویسندگان شیعه درباره آنها به نتیجه قطعی و روشنی نرسیده‌اند.

یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که در متون نسبتاً کهن صوفیان و گاه سایر منابع عامه، تحریرهای متفاوتی از این گفت‌وگو، اما با ساختاری مشابه آن، وجود دارد که در بیشتر آنها تأویل عرفانی مناسک حج از زبان یکی از مشایخ صوفیه، در قالب گفت‌وگویی میان جنید بغدادی و مرید وی ابوبکر شبلی، دو صوفی برجسته مکتب تصوف بغدادی در سده‌های سوم و چهارم هجری، یا میان شبلی و صوفی دیگری روایت شده است و تحریر شیعی و مفصل‌تر آن، احتمالاً در دوره‌ای متأخر، به شکل گفت‌وگوی میان شبلی و امام زین‌العابدین علیه‌السلام به متون شیعه راه پیدا کرده است.

کلیدواژه‌ها: اسرار حج، روایات مرسل، امام زین‌العابدین علیه‌السلام، شبلی، جنید بغدادی، تصوف، تشیع.

۱. دکترای تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران (ahmad.khamehyar@gmail.com)

در برخی متون و کتب حدیثی متأخر شیعه، روایتی مرسل، حاوی گفت‌وگویی میان امام زین‌العابدین علیه السلام با شخصی به نام «شبلی» در باب تأویل مناسک حج و اسرار معنوی آن نقل شده که در یکصد سال اخیر، مورد اقبال شماری از مؤلفان و نویسندگان شیعه قرار گرفته است و عمدتاً در مقام پرداختن به اسرار و معارف حج، به آن استناد کرده‌اند؛ حتی برخی نیز به عنوان کلام معصوم به آن نگریسته‌اند.

در این روایت آمده که شبلی پس از بازگشت از حج، به محضر امام زین‌العابدین علیه السلام می‌رسد و ایشان، ادای اعمال و مناسک مختلف حج را از وی جویا می‌شود و شبلی نیز هر بار با پاسخ «آری»، ادای همه این اعمال و مناسک را تصدیق می‌کند. اما امام علیه السلام با ارائه تأویلی از اسرار عرفانی اعمال و مناسک حج، به وی گوشزد می‌کند از آنجایی که او در هنگام ادای مناسک به این اسرار و مفاهیم توجه نداشته، آن اعمال را به‌جا نیاورده است. در پایان نیز به شبلی تأکید می‌کند که برای رعایت توجه به اسرار حج، باید از نو آن را به‌جا آورد.

درباره این روایت، ابهامات زیادی از جمله در زمینه سند، اعتبار و محتوای آن وجود دارد که تا کنون بیشتر پژوهشگران و نویسندگانی که به بررسی این روایت پرداخته یا به آن استناد کرده‌اند، به این ابهامات، پاسخ درخوری نداده‌اند. مهم‌ترین ابهام آن، ماهیت تاریخی شبلی (مخاطب امام زین‌العابدین علیه السلام) است که نویسندگان قبلی، به نتیجه‌گیری قطعی و نهایی در این باره نرسیده‌اند.

از سوی دیگر، در برخی منابع کهن تحریرهای دیگری از همین گفت‌وگو، با ساختاری نزدیک به آن، وجود دارد که در آنها نشانی از امام معصوم علیه السلام دیده نمی‌شود. بررسی این تحریرها می‌تواند در بازمیابی اصل و منشأ روایت گفت‌وگوی شبلی و امام زین‌العابدین علیه السلام به ما کمک کند و به‌نظر می‌رسد مؤلفان معاصر که در نوشته‌های خود به این روایت پرداخته‌اند و گاه حتی به

عنوان کلام معصوم به آن استناد کرده‌اند، از وجود تحریرهای دیگر آن غافل و بی‌اطلاع بوده‌اند.

در این نوشتار، با بررسی و مقایسه تحریرهای گوناگون این گفت‌وگو، کوشیده‌ایم تا برخی ابهام‌های مربوط به حدیث شبلی را روشن کنیم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که شبلی مورد خطاب در این گفت‌وگو کیست؟ اصل و منشأ اولیه این حدیث چیست و در میراث شیعه چه میزان اعتبار دارد؟ در نهایت، تحریر شیعی حدیث شبلی با تحریرهای دیگر این گفت‌وگو تا چه اندازه متفاوت است؟

با توجه به پرسش‌های بالا در نوشتار پیش‌رو، بر پژوهش درباره پیشینه و خاستگاه حدیث شبلی تمرکز صورت گرفته است. طبیعتاً نقد و بررسی محتوایی این حدیث از ابعاد مختلفی، همچون ناهمخوانی‌های مضامین آن با سایر روایات معصومان علیهم‌السلام و همچنین از منظر زبان‌شناسی و بررسی سابقه کاربرد اعلام جغرافیایی و الفاظ و اصطلاحات به‌کار رفته در آن در متون و منابع تاریخی و دینی^۱ و نیز مقایسه خبر شبلی با دیگر تأویل‌های عرفانی اعمال حج در نگاه‌های سایر فرق شیعه، از حوصله این نوشتار خارج است و فرصت دیگر می‌طلبد.

۱. پیشینه استناد به حدیث شبلی در آثار نویسندگان شیعه

شاید نخستین متن شناخته‌شده‌ای که تحریر شیعی گفت‌وگوی امام زین‌العابدین علیه‌السلام با شبلی را نقل کرده، کتاب «التحفة السنیه فی شرح النخبة المحسنیه» اثر سید عبدالله شوشتری (۱۱۱۴-۱۱۷۳ق) فرزند سید نورالدین بن سید نعمت‌الله جزائری است. این کتاب، شرحی بر «النخبة الوجیه» فیض

۱. به عنوان مثال، کوه کوچک موسوم به «رحمت» در میان دشت عرفات، که در حدیث شبلی نیز از آن نام برده شده، در منابع ادبی، تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخست تا سده سوم هجری همچون تواریخ محلی مکه، به نام «جبل الال» (به فتح یا کسر همزه) نامیده شده است و تنها در متون جغرافیایی و سفرنامه‌های سده چهارم به بعد، از آن به نام «جبل الرحمه» یاد شده است. (ر.ک: خامه‌یار، ۱۳۹۷، ص ۱۲۲)

کاشانی (د ۱۰۹۱ق) است که شوشتری، آن را در سال ۱۱۶۳ق تألیف کرده است. او منبع و سند خود برای نقل این روایت را چنین معرفی کند: «وجدت فی عدّه مواضع أوثقها بخطّ بعض المشايخ الّذين عاصرناهم مرسلأ...» (شوشتری، بی تا، ص ۳۴۰)

افزون بر این، رساله‌هایی نیز به صورت خطی، در قالب نسخه‌هایی مستقل یا در ذیل مجموعه‌های خطی، حاوی تحریر شیعی این روایت به زبان عربی یا فارسی وجود دارد؛ از آن جمله می‌توان به نسخه‌ای در پایان مجموعه شماره ۲۰۹۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، حاوی برخی متون منسوب به ائمه علیهم‌السلام شامل «توحید مفضل»، «اهلیلجه» و «مصباح الشریعه» اشاره کرد که قدمت آن به سده یازدهم هجری می‌رسد. (دانش پژوه، ۱۳۳۹ش، ج ۸، ص ۷۱۳) در صورتی که حدیث شبلی نیز همزمان با این سه متن کتابت شده باشد، می‌توان زمان راهیابی این حدیث به میراث مکتوب شیعه را لااقل از سده یازدهم هجری دانست.

همچنین می‌توان به نسخه شماره ۱۸۲۲/۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (حائری، ۱۳۴۶ش، ص ۴۳۱) و نسخه شماره ۸۸۷۰/۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. که در حال حاضر، اوراق رساله حدیث شبلی از این نسخه جدا و مفقود شده است. (رؤیت تصاویر نسخه) در مجموعه شماره ۶۰ در کتابخانه تکیه شوشتری‌ها در نجف اشرف نیز رساله‌ای به عنوان «شرح حدیث شبلی» معرفی شده است. (نسخه‌های خطی، ۱۳۶۲، دفتر ۱۱ و ۱۲، ص ۸۲۷)

شماری از نسخه‌های حاوی تحریر فارسی این روایت نیز وجود دارد که معمولاً از نسخه‌های متأخر به شمار می‌آیند و از آن جمله‌اند: نسخه ۶۵۳/۳ در مجموعه مفتاح؛ (نسخه‌های خطی، ۱۳۵۳ش، دفتر ۷، ص ۲۵۰) نسخه ۴۸۴ در کتابخانه ملی و نسخه ۱۴۴۸۲/۵ در همین کتابخانه که تاریخ کتابت آن ۱۲۵۹ق است. منبع روایت شبلی در نسخه ۴۸۴ کتابخانه ملی با این عبارت که «در

بعضی از کتب معتبر مسطور است...»، و در نسخه ۱۴۴۸۲/۵ همین کتابخانه با عبارت «مرویست که...» بیان شده است. (رؤیت تصاویر نسخه)

با مقایسه دو نسخه فارسی موجود در کتابخانه ملی با تحریر عربی این روایت که سیدعبدالله شوشتری در کتاب خود آورده، می‌توان پی برد که هر یک از این دو نسخه، ترجمه‌ای مستقل از تحریر عربی آن است که گاه کاملاً ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است.

در دوره متأخر، حدیث شبلی یک بار به ضمیمه چاپ سنگی «توحید» شیخ صدوق (د ۳۸۱ق) در سال ۱۲۸۵ق در تهران منتشر شده است. مرحوم محدث نوری (د ۱۳۲۰ق) نیز آن را به نقل از کتاب سیدعبدالله شوشتری در «مستدرک الوسائل الشیعه» نقل کرده است (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶) که منبع اصلی انتشار این روایت و استناد به آن در تحقیقات و نوشته‌های معاصران به شمار می‌آید.

شماری از نویسندگان شیعه از زمان مرحوم محدث نوری، درباره حدیث شبلی، کتابچه‌های مستقلی تألیف کرده‌اند و شمار دیگری نیز در آثاری که در موضوع اسرار و معارف حج یا درباره امام زین‌العابدین علیه السلام تألیف کرده‌اند، به این روایت اقبال نشان داده و به آن استناد کرده‌اند.

از کتابچه‌های مستقل نگاشته شده در این باره، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: «اسرار الحج فی حواری بین الامام زین‌العابدین علیه السلام و الشبلی». بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا. «حج را چگونه انجام داده‌ای؟»، علی حجّتی کرمانی، بی‌جا، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۶۱ش.

«از ژرفای حج: پیام امام سجاد علیه السلام به «شبلی» در باب فلسفه حج»، علی‌اکبر مظاهری، تهران، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.

«حدیث شبلی: نقش حج در خودسازی و پیشگیری از گناه»، محمود شریفی، قم، نور السجاد، ۱۳۹۰ش.

از جمله تألیفات در زمینه اسرار و معارف حج و نیز ترکیه نفس که

نویسندگان آنها به این حدیث استناد کرده و از آن بهره برده‌اند، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

«صهباى صفا»، آیت‌الله جوادى آملی، بی‌جا، نشر مشعر، ۱۳۷۱ش، صفحات ۳۵ به بعد.

«صهباى حج»، آیت‌الله جوادى آملی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۷، صفحات ۳۴۳-۳۴۸ و صفحات دیگری از کتاب.

«منتخب احادیث عمره»، سیدعلی قاضی‌عسکر، تهران، مشعر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۸، صفحات ۶۳-۷۲.

«دیار سجده: چهل حدیث از سیره سیدالساجدین در سفر بیت‌الله الحرام»، محمدمهدی کافی، قم، پیام امام هادی علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۳۸۹ش، صفحات ۷۶-۹۳.

«تزکیة النفس»، السید کاظم الحسینی الحائری، قم، دار البشیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ش / ۱۴۳۰ق، ص ۲۰۳-۲۰۶.

همچنین این روایت به برخی از تألیفات نگاشته شده درباره امام زین‌العابدین علیه‌السلام راه یافته که از آن جمله می‌توان به کتاب «بلاغة الامام علی بن الحسین علیه‌السلام» اثر جعفر الحائری اشاره کرد که مؤلف آن، متن حدیث شبلی را به طور کامل نقل کرده است. (حائری، ۱۴۲۵ق، ص ۲۰۵-۲۰۹) پژوهشگر دیگری نیز در مقام اشاره به ادبیات معنوی به‌جا مانده از امام سجاد علیه‌السلام، از این حدیث یاد کرده است. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۵)

گاه این حدیث در مقام استخراج احکام فقهی حج نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنانکه یکی از فقهای معاصر، در بیان حکم فقهی پوشیدن لباس دوخته در زمان احرام، ضمن اذعان به ضعف سند حدیث شبلی، دلالت محتوای این حدیث را در این مسئله، مورد بررسی و مناقشه قرار داده است. (قائمی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۸)

۲. آرای معاصران درباره حدیث شبلی و ماهیت وی

شماری از نویسندگان معاصری که در آثار خود، حدیث شبلی را نقل کرده

یا به آن اشاره کرده‌اند، درباره آن، اظهار نظرهایی داشته‌اند که لازم است پیش از ارائه نتیجه‌گیری نهایی خود درباره این روایت، نگاهی به دیدگاه‌های آنها داشته باشیم.

سید محمدرضا حسینی جلالی درباره این حدیث می‌نویسد: «ولقد أُثِرَتْ عن الإمام زين العابدين عليه السلام نصوص جاء فيها شرح العبادات من وجهات نظر روحية بما عجز عن إدراكه كبار المتصدين لمثل هذه المعارف، فمن ذلك ما روي عنه في تفسير معاني أفعال الحج وأقسام الصوم.» (الحسيني الجلالی، بی تا، ص ۱۷۵) این اظهار نظر، به نوعی نشان‌دهنده پذیرش انتساب این روایت به امام زین‌العابدین علیه السلام از سوی اوست. آیت‌الله جوادی آملی در یکی از آثار خود، درباره حدیث شبلی چنین اظهار نظر کرده است که اگرچه این روایت از نظر سند، جای تأمل و تحقیق بیشتر دارد، اما متن آن «بسیار قوی» است و «کسانی که احادیث را با متون می‌شناسند، این‌گونه روایات را هم معتبر می‌دانند.» (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۳۵)

ایشان در جایی دیگر چنین اظهار نظر کرده است که «گرچه این حدیث به سبک و وزن سخنان مأثور از امامان معصوم علیهم السلام نیست و از این رو گفته شده که ممکن است این روایت، از سخنان عرفا بوده که به تدریج به امام سجاد علیه السلام نسبت داده‌اند، لیکن در این گونه روایات که هماهنگ با سایر معارف بوده و یا مخالف با آنها نیست، کاستی در سند، مانع استفاده از متن بلند و نورانی آنها نخواهد بود. دوم: ترتیب برخی مناسک در این روایت، برابر ترتیبی که در فقه ثابت شده و حج گزار باید آن را انجام دهد نیست. شاید بتوان گفت: دلیل آن این است که امام سجاد علیه السلام در این حدیث شریف درصدد بیان احکام مناسک حج و تکالیف ظاهری حج گزاران نبوده است. ...» (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۴)

محمدی ری‌شهری پس از نقل این روایت، در اظهار نظری که به نتیجه‌گیری ما در پایان این نوشتار نزدیک‌تر است، درباره محتوای روایت نوشته است: «... هر کس در این روایت دقت کند، آن را حاوی نکته‌های تربیتی جذابی می‌یابد؛ اما از سنخ سخنان اهل بیت علیهم السلام نیست و از این رو ممکن است

گفته برخی عارفان باشد که به تدریج به امام زین العابدین علیه السلام نسبت داده شده است.» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۲۸۵)

درباره ماهیت شخص مخاطب امام زین العابدین علیه السلام، نویسنده «اسرار الحج فی حواری بین الامام زین العابدین و الشبللی»، به این نکته اشاره می کند که با وجود جست و جوی فراوان، زندگی نامه ای از وی نیافته و تنها شخصیتی که به این نام یافته، [ابوبکر] شبللی (د ۳۳۴ق)، صوفی مشهور بغدادی است. (بی نام، بی تا، ص ۵)

سید محمدرضا حسینی جلالی نیز با اذعان به اینکه میان راویان و معاصران امام زین العابدین علیه السلام، شخصی به نام شبللی وجود نداشته، برای حل تناقض هم عصر نبودن شبللی صوفی و امام چهارم شیعیان، به این توجیه متوسل شده که شاید نام شبللی تحریف نام «شبیبة بن نعامة» باشد که منابع رجالی او را در شمار اصحاب آن حضرت آورده اند. (حسینی جلالی، ص ۱۷۵)

جوادی آملی بر این نظر است که «گرچه افراد متعددی به «شبللی» ملقب بوده اند که نزدیک ترین آنها به عصر ائمه علیهم السلام «ابوبکر، ذلف بن جحدر» است که تقریباً دو قرن پس از شهادت امام سجاد علیه السلام به دنیا آمده و از این رو هیچ یک از «شبللی» ها نمی توانند مستقیماً از امام سجاد علیه السلام روایت کنند.» (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۴)

چنانکه مؤلفان قبلی نیز تصریح کرده اند، در تاریخ اسلام، نخستین کسی که به نام شبللی می شناسیم، «ابوبکر شبللی»، از صوفیان مشهور مکتب عرفان بغدادی در سده سوم و چهارم هجری است. نام وی را به اختلاف، ذلف بن جحدر، ذلف بن جعفر یا جعفر بن یونس گفته اند که کنیه اش ابوبکر بوده است. او اصالتاً از اُسروشَنه ماوراءالنهر، اما زاده سامرا بود. شبللی در فقه، پیرو مذهب مالکی بود. او در مجلس «خیر نَساج» توبه کرد و سپس مرید و سرسپرده جنید بغدادی شد و در سال ۳۳۴ق در سن ۸۷ سالگی از دنیا رفت و در بغداد به خاک سپرده شد. (ابوعبدالرحمن سلمی، ۱۹۸۶م، ص ۳۳۷-۳۳۸) احوال و اقوال وی در منابع تصوف نقل شده است.

۳. تحریرهای صوفیانه حدیث شبلی

در شماری از متون کهن صوفیه و نیز در آثار برخی نویسندگان اهل سنت، تحریرهای دیگری از گفت‌وگویی در تأویل مناسک حج وجود دارد که با تحریر شیعی این گفت‌وگو، در ساختار پرسش و پاسخ آن، مشابه است. نکته مهم و قابل توجه درباره بیشتر این تحریرها، این است که «ابوبکر شبلی»، صوفی مشهور مکتب تصوف بغدادی، به عنوان محور یکی از طرفین گفت‌وگوست که همانم شخص یاد شده در تحریر شیعی این روایت است.

از کهن‌ترین متون حاوی تحریر صوفیانه این گفت‌وگو که تاکنون موفق به شناسایی آن شده‌ایم، کتاب «تهذیب الاسرار» اثر ابوسعید خرگوشی (د ۴۰۷ق) زاهد و صوفی نیشابوری در سده چهارم هجری است.^۱ تفاوت مهمی که تحریر خرگوشی با تحریر شیعی این گفت‌وگو دارد این است که شخصی به نام «ابن منازل» پس از سفر حج، نزد شبلی صوفی می‌آید و شبلی اسرار و معانی باطنی اعمال حج را از او جويا می‌گردد و به دنبال پاسخ‌های منفی ابن منازل نسبت به عدم توجه به این معانی، شبلی ادای اعمال حج وی را منکر می‌شود.

تحریر صوفیانه دیگری از همین گفت‌وگو که از نظر محتوا و تعبیر به‌کار رفته در آن، بسیار نزدیک به تحریر کتاب خرگوشی است، در تفسیر عرفانی موسوم به «حقائق التفسیر»، اثر ابوعبدالرحمن سلمی نیشابوری (۳۲۵-۴۱۲ق)، صوفی برجسته حوزه تصوف خراسان نقل شده است. اما در این تحریر، از شخصی که پس از سفر حج نزد شبلی می‌آید و میان آنها گفت‌وگو صورت می‌پذیرد، نام برده نشده است. (ابوعبدالرحمن سلمی، ۲۰۰۱، ۱۱۰-۱۱۲) در واقع، در این دو تحریر، جای امام زین‌العابدین علیه السلام و شبلی، با ابوبکر شبلی و

۱. نگارنده این سطور در جست‌وجوهای خود، کهن‌ترین متن حاوی تحریر صوفیانه حدیث شبلی را «حقائق التفسیر» ابوعبدالرحمن سلمی تشخیص داده بود. اما دوست پژوهشگر گرامی آقای عمیدرضا اکبری، نگارنده را از وجود تحریر دیگری از این گفت‌وگو در «تهذیب الاسرار» خرگوشی مطلع ساخت که از این بابت لازم می‌دانم از ایشان قدردانی کنم.

ابن منازل (در کتاب خرگوشی) یا شخص گمنامی (در تفسیر سلمی) جابه‌جا شده است.

مقصود از ابن منازل در تحریر خرگوشی، احتمالاً «ابومحمد عبدالله بن محمد بن منازل» (د ۳۲۹ یا ۳۳۰ق)، از مشایخ صوفیه اهل سنت در نیشابور در نیمه دوم سده سوم یا نیمه دوم سده چهارم است که معاصر شبلی بوده است. ابوعبدالرحمن سلمی وی را با تعبیر «از اجل مشایخ نیشابور» (ابوعبدالرحمن سلمی، ۱۹۸۶، ص ۳۶۷) و «ابوالقاسم قشیری» (د ۴۶۵ق) نیز وی را با تعبیر «شیخ ملامتبان و یگانه زمانه خویش» (قشیری، ۲۰۰۱، ص ۷۳) ستوده است.

مشابه دو تحریر صوفیانه فوق را شماری از علما و مؤلفان اهل سنت در دوره‌های بعدی، معمولاً بدون اشاره به منبع نقل کرده‌اند. از نخستین این مؤلفان، «ابن جوزی حنبلی بغدادی» (د ۵۹۷ق) است که صرفاً به برخی بندهای آغازین آن اکتفا و از نقل متن کامل آن خودداری کرده است. (ابن جوزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۰-۱۱) ابن عربی (د ۶۳۸ق) نیز آن را به عنوان گفت‌وگویی میان شبلی و مرید وی، با اختلافاتی در برخی عبارات و تأویلات نسبت به متن «حقائق التفسیر»، در باب اسرار حج از کتاب «فتوحات مکیه» نقل کرده است. (ابن عربی، ۱۹۸۵، ج ۱۰، ص ۱۳۳-۱۳۸)

«شمس‌الدین خوارزمی حنفی» (د ۸۲۷ق)، این تحریر صوفیانه را به عنوان گفت‌وگویی میان شبلی و یکی از صالحان صوفیه در کتاب خود آورده است. متنی که وی نقل کرده، خلاصه‌تر از تحریرهای موجود در آثار خرگوشی، سلمی و ابن عربی است و در برخی عبارات‌ها با آنها تفاوت دارد. (خوارزمی، ۲۰۰۰، ص ۱۸۷-۱۸۸) همچنین در مرکز ملک فیصل ریاض، نسخه‌ای خطی از رساله‌ای به عنوان «حکایة لأبی بکر الشبلی مع رجل یرید الحج» نگهداری می‌شود که احتمالاً باید تحریری از همین گفت‌وگو باشد.

علاوه بر دو تحریر کتاب خرگوشی و تفسیر سلمی که مؤلفان دیگری همچون ابن جوزی، ابن عربی و شمس‌الدین خوارزمی، شبیه آنها را با

اختلافاتی نقل کرده‌اند، تحریر صوفیانه دیگری به زبان فارسی از گفت‌وگویی در اسرار حج با ساختاری نزدیک به حدیث شبلی وجود دارد. این تحریر را «ابوالحسن هجویری» (د ۴۶۵ق) در باب «آداب حج» از کتاب خود «کشف المحجوب» - از متون کهن فارسی در باب تصوف - نقل کرده است. (هجویری، ۱۹۲۶، ص ۴۲۵-۴۲۶؛ همو، ۱۳۷۴، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۴۸۱-۴۸۳)

تفاوت مهم میان این تحریر با تحریرهای عربی حدیث شبلی آن است که در روایت هجویری، این گفت‌وگو میان جنید بغدادی - صوفی مشهور سده سوم - و شخص دیگری انجام شده که در همه نسخه‌های چاپی کشف المحجوب، از وی با تعبیر «یکی» یاد شده است. اما به تشخیص نگارنده این سطور، کلمه «یکی»، می‌تواند تصحیف نام «شبلی» باشد که در تحریرهای عربی آن، نام وی به عنوان یکی از طرفین گفت‌وگو به چشم می‌خورد.

از نظر تاریخی، شبلی معاصر و مرید جنید بوده است و با توجه به وجود نام شبلی در هر یک از دو تحریر عربی شیعی و صوفیانه، این فرض پذیرفتنی می‌نماید که در روایت هجویری، این گفت‌وگو میان جنید و شبلی رخ داده باشد. تصحیف نام «شبلی» به «یکی» نیز با توجه به ساختار نزدیک و رسم الخط هر دو کلمه، امری محتمل است و شواهد و مثال‌های فراوانی از این گونه تصحیف‌ها می‌توان در حوزه استنساخ و تصحیح نسخه‌های خطی یافت. این تصحیف می‌تواند از سوی ناسخ یک نسخه خطی کهن کشف المحجوب، یا حتی از سوی مؤلف آن، به نسخه‌های خطی دیگر آن راه یافته باشد.

افزون بر دو تحریر صوفیانه فارسی و عربی از حدیث شبلی، تحریر فارسی منظومی نیز از همین گفت‌وگو وجود دارد که در قالب قصیده‌ای از ناصر خسرو قبادیانی بلخی (د ۴۸۱ق)، داعی اسماعیلی و شاعر بزرگ پارسی‌گو در سده پنجم هجری به دست ما رسیده است. سراینده در این قصیده، از طرفین گفت‌وگو نامی نبرده است؛ اما در بیان معانی و تأویلات مناسک حج از ضمیر

متکلم وحده استفاده کرده و از مخاطب آن به عنوان «دوستی مخلص و عزیز و کریم» یاد کرده است. (ناصر خسرو، ۱۳۰۴-۱۳۰۷ش، ص ۲۵۸-۲۶۰)

۴. مقایسه تحریرهای حدیث شبلی با یکدیگر

با مقایسه تحریرهای مختلف حدیث شبلی در اسرار حج، می‌توان گفت تحریر شیعی این گفت‌وگو، از سایر تحریرهای شناخته شده آن، مفصل‌تر است و شامل تأویل‌های بیشتری از اعمال و مناسک حج می‌باشد. معمولاً در هر بند از این تحریر، پس از آنکه درباره ادای چند عمل مرتبط با یکدیگر از شبلی سؤال می‌شود، و پس از پاسخ مثبت وی مبنی بر ادای این اعمال، در قالب سؤال‌های دیگری، تأویل هر یک از این اعمال به طور جداگانه از شبلی پرسیده می‌شود.

موضوعات اعمال و مناسک تأویل شده در تحریر شیعی عبارتند از: (۱) بیتوته در میقات و لباس کندن و غسل کردن؛ (۲) شست‌وشو و احرام بستن و نیت کردن برای حج؛ (۳) ورود به میقات و خواندن نماز احرام و لَبَّیک گفتن؛ (۴) ورود به حرم و دیدن کعبه و نماز خواندن؛ (۵) طواف کعبه و مسّ ارکان و سعی (هروله)؛ (۶) مصافحه حجر الاسود و وقوف در مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و نماز خواندن در آن؛ (۷) ایستادن بر چاه زمزم و نوشیدن آب از آن؛ (۸) سعی میان صفا و مروه؛ (۹) رفتن به منّا؛ (۱۰) وقوف در عرفه و بالا رفتن از جبل الرحمه و حضور در وادی نمره؛ (۱۱) گذشتن از میان دو عَلم و نماز خواندن و راه رفتن در مزدلفه و سنگریزه جمع کردن و عبور از مشعر الحرام؛ (۱۲) ورود به منّا و رمی جمرات و تراشیدن سر و قربانی کردن و نماز خواندن در مسجد خیف و بازگشت به مکه و ادای طواف زیارت.

تحریر صوفیانه عربی گفت‌وگوی شبلی با تحریر شیعی آن تفاوت‌های محتوایی مهمی دارد و از تحریر صوفیانه فارسی آن مفصل‌تر است. موضوعات اعمال و مناسک تأویل شده در این تحریر (مطابق متن حقائق التفسیر سلمی)

عبارتند از: نیت حج، کندن لباس، طهارت، لُبیک گفتن، ورود به حرم، اشراف بر مکه، ورود به مسجدالحرام، دیدن کعبه، سه «رَمَل» و چهار «مَشی»، مصافحه حجر الاسود، نماز طواف، رفتن به صفا و وقوف در آن، هروله (در سعی)، وقوف در مروه، رفتن به مِنا، ورود به مسجد خیف، رفتن به عرفات، رفتن به مشعر، قربانی کردن، رمی کردن، زیارت قبر پیامبر ﷺ خروج از احرام و وداع کردن.

متن حدیث شبلی در «فتوحات مکیه»، در موضوعات اعمال و مناسک حج و ترتیب آنها، تفاوت چندانی با متن «حقائق التفسیر» سلمی در موضوعات اعمال تأویل شده، ندارد؛ جز آنکه در موضوع صفا، افزون بر آنچه در تفسیر سلمی آمده، اعمالی همچون تکبیر گفتن و پایین آمدن از کوه صفا نیز مورد تأویل قرار گرفته است و در ذیل اعمال مِنا نیز تأویل «حَلَق» (سر تراشیدن) افزوده شده است. (ابن عربی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵-۱۳۶)

هرچند تحریری که شمس‌الدین خوارزمی نقل کرده، نزدیک به دو تحریر خرگوشی و سلمی است؛ اما در موضوعات اعمال تأویل شده، کاستی‌ها و افزوده‌هایی به چشم می‌خورد. موضوعات تحریر خوارزمی به شرح زیر است: نیت حج، کندن لباس، لُبیک گفتن، ورود به حرم، طواف، ایستادن در مقام و نماز، ورود به کعبه، نوشیدن آب زمزم، سعی صفا و مروه، رفتن به مِنا، وقوف در عرفات، ماندن در مزدلفه، وقوف در مشعر الحرام، رمی جمرات، حلق (سر تراشیدن)، قربانی کردن و بازگشت به مکه.

اما روایت هجویری، هم در موضوعات اعمال حج و هم در تأویلات عرفانی آن، با تحریر شیعی حدیث شبلی کاملاً متفاوت است و متن پرسش‌ها و نیز تأویلات آنها بسیار کوتاه طرح شده است. موضوعات اعمال حج در این روایت عبارتند از: ۱) رحلت از وطن ۲) مقام کردن در منازل راه ۳) محرم شدن به میقات ۴) وقوف عرفات ۵) وقوف مزدلفه ۶) طواف کعبه ۷) سعی صفا و مروه ۸) آمدن به مِنا ۹) قربان کردن به منحرگاه ۱۰) سنگ انداختن (رمی جمرات).

درباره تحریر منظوم ناصر خسرو نیز با اینکه «رضا اشرف‌زاده» با کنار هم گذاشتن ابیات این قصیده و فقرات گفت‌وگوی امام سجاد علیه السلام با شبلی، نتیجه گرفته است که محتوای این ابیات به محتوای تحریر شیعی این روایت بسیار نزدیک است، (ر.ک: اشرف‌زاده، ۱۳۸۶ش، ص ۶۷-۸۴) با این حال، به باور نگارنده، میان قصیده ناصر خسرو و تحریر شیعی حدیث شبلی، تفاوت فراوانی وجود دارد. البته باید این احتمال را در نظر داشت که به هر حال، سراینده در برگردان این روایت به زبان شعر، تغییراتی در برخی الفاظ و عبارات آن داده باشد.

نتیجه‌گیری

حدیث شبلی در اسرار حج، متنی مرسل و بدون سند است که با توجه به شواهد موجود، پیشینه نقل آن در منابع شیعه به دوره‌های متأخر برمی‌گردد و قدمت کهن‌ترین مدارک شناخته شده برای آن، از سده دوازدهم یا نهایتاً یازدهم هجری فراتر نمی‌رود؛ اما به طور خاص از زمانی که محدث نوری آن را در «مستدرک الوسائل» خود نقل کرده، در ادبیات شیعیان بازتاب گسترده‌ای یافته و مورد ارجاع و استناد نویسندگان شیعه قرار گرفته است.

با این حال، تحریرهای صوفیانه‌ای از گفت‌وگویی با ساختار نزدیک به حدیث شبلی که در شماری از منابع مهم و کهن صوفیه همچون «تهذیب الاسرار» خرگوشی، «حقائق التفسیر» سلمی، «کشف المحجوب» هجویری، «فتوحات مکّیه» ابن عربی و آثار دیگر علمای اهل سنت، همچون ابن جوزی و شمس‌الدین خوارزمی حنفی نقل شده است. وجود این تحریرها و نیز با توجه به ادبیات تأویلی و عارفانه این روایت، چنانکه برخی پژوهشگران و نویسندگان شیعه به این مسئله ادعان داشته‌اند، به وضوح خاستگاه صوفیانه حدیث شبلی را نشان می‌دهد.

همچنین با توجه اینکه در تحریرهای صوفیانه این روایت، یکی از طرفین گفت‌وگو ابوبکر شبلی، صوفی مشهور مکتب تصوف بغداد است (با در نظر

گرفتن اینکه در تحریر کشف المحجوب هجویری نیز احتمالاً نام «شبللی» به «یکی» تصحیف شده است)، و با توجه به اینکه میان اصحاب و معاصران امام زین العابدین علیه السلام شخصی به نام شبللی سراغ نداریم، این فرض بسیار پذیرفتنی است که تحریر صوفیانه دیگری از روایت شبللی، به تدریج با انتساب آن به امام زین العابدین علیه السلام، که می‌تواند با نشان دادن نام ایشان به جای جنید بغدادی صورت گرفته باشد، به میراث مکتوب شیعیان راه یافته باشد.

جدول مقایسه تحریرهای مختلف حدیث شبللی

ردیف	موضوع	تحریر شیعی	تحریر صوفیانه (۱) عربی	تحریر صوفیانه (۲) عربی	تحریر صوفیانه (۳) عربی	تحریر صوفیانه فارسی	تحریر منبجوم فارسی
۱	خروج از خانه					از ابتدا که از خانه برفتی، و از وطن رحلت کردی، از همه معاصی رحلت کردی؟	
۲	مقام کردن در منازل سفر					چون از خانه برفتی، و اندر هر منزلی، هر شب مقام کردی، مقامی از طریق حق اندر آن مقام قطع کردی؟	
۳	رسیدن به میقات	فحین نزلت المیقات، نوبت آنکس جلعوت ثوب المعصية ولبست ثوب الطاعة؟					

ردیف	۴	۵	۶	۷	۸
موضوع	تَعْرُدُ از ثِیَاب	غسل کردن	پاکیزه کردن	احرام بستن	نیت کردن
تحریر شعبی	فحین تجرُدت عن مخیط ثیابک نویت اَکَّ تجرُدت من الرباه والنفاق، والدخول فی الشبهات؟	فحین اغتسلت نویت اَکَّ اغتسلت من الخطایا والذنوب؟	فحین تنظقت وأحرمت وعقدت الحج نویت اَکَّ تنظقت بنوره التویه الخالصه لله تعالی؟	فحین أحرمت نویت اَکَّ حرمت علی نفسك کلّ محرّم حرّمه الله عزّوجلّ؟	فحین عقدت الحج نویت اَکَّ قد حلت کلّ عقبر الغیر الله؟
تحریر صوفیانه عربی (۱)	تجرُدت من کلّ شیء؟		زال عنک کلّ عاَلة تطهرک؟		فسخت بعقدک علی عقبر عقدته یخالف هذا العقد ویضاده منذ خُلقت؟
تحریر صوفیانه عربی (۲)	تجرُدت عن کلّ فعل فعلته؟		أزلت عنک کلّ عاَلة یطهرک؟		أفسخت بعقدک کلّ عقبر عقدته منذ خُلقت، مما یضاده هذا العقد؟
تحریر صوفیانه عربی (۳)	تجرُدت عند ذلک عن کلّ ما نُهیت عنه؟				فسخت بعقدک کلّ عقبر یخالف هذا العقد؟
تحریر صوفیانه فارسی				چون مُحرّم شدی به میقات، از صفات بشریت جدا شدی، چنانکه از جامه؟	
تحریر مبتلوم فارسی				«چون همی خواستی گرفت احرام چه نیت کردی لدر آن تحریم؟ جمله بر خود حرام کرده ندی هرچه ملودن کردگار عظیم؟»	

۱. فتوحات مکّیه: «تجرُدت من کلّ شیء؟» (ابن عربی، ج ۱۰، ص ۱۳۳).

ردیف	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
موضوع	ورود به میقات	نماز احرام	لبیک گفتن	ورود به حرم	رسیدن به مکه
تحریر شیعی	فحین دخلتِ المیقات نوبتِ آنک بنیة الزیارة؟	فحین صلیت الکرعتین نوبتِ آنک تترت الی الله بخیر الأعمال من الصلاة واکبر حسنات العباد؟	فحین لبیت نوبتِ آنک نطقت لله سبحانه بکل طاعةٍ وسمعت عن کل معصیة؟	فحین دخلت الحرم نوبتِ آنک حرمت علی نفسك کل غیبةٍ تستغیبا المسلمین من أهل ملة الاسلام؟	فحین وصلت مکه نوبتِ بقلک آنک قصدت الله؟
تحریر صوفیانه (۱) عربی		وجدت جواب التلبیة بتلیةٍ مثلها؟	وجدت جواب التلبیة بتلیةٍ مثلها؟	اعتقدت بدخولک الحرم ترک کل محرّم؟	اشرف علیک حال من الحق یاشرافک علی مکه؟
تحریر صوفیانه (۲) عربی		وجدت جواب التلبیة مثلاً بمثل؟ ^۱	وجدت جواب التلبیة مثلاً بمثل؟ ^۱	اعتقدت بدخولک الحرم ترک کل محرّم؟	اشرف علیک من الله حال یاشرافک؟ اعلی مکه!
تحریر صوفیانه (۳) عربی		سمعت جواب تلبیتک؟	سمعت جواب تلبیتک؟	حرمت علی نفسك الوقوع فی کل محرّم بعده؟	
تحریر صوفیانه فارسی					
تحریر مکتوب فارسی			گفت: نی، گفتمش: «ردی لبیک از سر علم و از سر تعظیم؟ می شنیدی ندای حق و جواب باز دادی چنانکه داد کلمه؟»	گفت: نی، گفتمش: «چو می رقتی در حرم همچو اهل کلهف و رقیه ایمن از شر نفس خود بودی در نعم حرقت و عذاب حجیبه؟»	

۱. فتوحات مکه: «وجدت جواب التلبیة بتلبیتک مثله؟» (ابن عربی، ج ۱، ص ۱۳۳).

ردیف	۴	۵	۶	۷	۸
موضوع	ورود به مسجدالحرام	دین کعبه	طواف و مس آراکان و سعی	سه رمل و چهار مشی	مصافحه حجرالاسود ^۱
تحریر شعبی		(سؤال رؤیت کعبه، بدون تأویل آن، مطرح شده)	فحین سعیت نوبت آنک هربت الی الله وعرف مک ذلک عالم العیوب؟		من صافح الحجر الأسود فقد صافح الله، فانظر یا مسکین لا تضع حجر ما عظیم حرمته، وتنقض المصافحه بالمخالفة وینقض الحرام نظیر اهل الاثم.
تحریر صوفیانه (۱) عربی	دخلت فی قریه من حیث علمت؟	رأیت من قصدت؟	ألا ت بالله تعالی شکرًا لذلک؟	هربت من الدنیا هرباً علمت انک قد فاضلتها وانقطعت عنہا؟ ووجدت بمشیک الأربع امأاً منأاً هربت من الدنیا هرباً علمت انک قد فاضلتها وانقطعت عنہا؟ ووجدت بمشیک الأربع امأاً منأاً هربت منہ، فإرددت لله شکرًا لذلک؟	وبلک قبل من صافح الحجر الأسود فقد صافح الحق. وفیت بالعهد امأاً یا عیبه؟ وبلک قبل من صافح الحجر فقد صافح الحق؛ ومن صافحه فهو فی محل الأمن. أظہر علیک أثر الأمن؟
تحریر صوفیانه (۲) عربی	دخلت فی قریه من حیث علمت؟	رأیت ما ما قصدت؟			
تحریر صوفیانه (۳) عربی			طاعت بقلبک عظمتہ من تطوف بیتہ؟		
تحریر صوفیانه فارسی			چون طواف کردی خانه سر را اندر محل تنزیه اطایف حضرت جمال حق دیدی؟ وقت طواف		
تحریر مبتلوم فارسی			که دویدی به هروله جو ظلم از طواف همه ملائکین یاد کردی به گرد عرش		

۱. در فتوحات مکه، تقبیل حجر الاسود نیز افزوده شده است (ابن عربی، ج ۱۰، ص ۱۳۵).

ردیف	۳	۲	۱	۴
موضوع	وقوف در مقام ابراهیم (ع)	نماز طواف	ورود به کعبه	اشراف بر چاه زمزم و نوشیدن آب آن
تحریر شیعی	نوبت حین وقت عند مقام ابراهیم (ع) اُتک وقت علی کل طاعة، و تجلّت عن کل معصية؟	فحین صلیت فیه رکعتین نوبت اُتک صلیت بسلامه ابراهیم (ع) و اُزعت بسلامتک انفا الشیطان؟		نوبت اُنک اُشرف علی الطاعة، و قضت طرقک عن المعصية؟
تحریر صوفیانه عربی (۱)	اوقت علی مکانک و حالک و کوشفت باسراک، و امنت فی مکانک؟			
تحریر صوفیانه عربی (۲)	وقت الوقفة بین یدی الله عزّ وجلّ، و وقت علی مکانک من ذاک و اذیت قصدک؟			
تحریر صوفیانه عربی (۳)	رایت مکانک من بساط الرحمة؟		عرفت اُنک خرجت حین دخلتها عن کل معصية؟	نوبت اُنک تغسل به خب الدنيا و وسوس الشیطان من قلبک؟
تحریر صوفیانه فارسی				
تحریر منظوم فارسی	گفت: نی، گفتیش: «چو گشتی تو مطلع بر مقام ابراهیم کردی از صدق و اعتقاد و یقین خویشی خویش را به حق تسلیم؟»			

۱. فتوحات مکبه: «... علی مکانک من ربک، فأریت قصدک؟» (ابن عربی، همانجا).

ردیف	۴	۵	۶
موضوع	وقوف در صفا ^۱	سعی صفا و مروه ^۲	وقوف در مروه
تحریر شعبی		نوبت آنک بین الرجاء والخوف؟	
تحریر صوفیانه عربی (۱)	کثرت حین وحدت المملكة تصغر فیما أمرت حتی وحدت حقیقة ذکرک؟ ... زالت عنک کل علة حتی صفیت؟	غررت منک إلیه فترت من فرارک ووصلت الی مطلوبک؟	رأیت السکينة علی المرءة فأخذتها ونزلت علیک؟
تحریر صوفیانه عربی (۲)	هل صفا سرک بصعودک علی الصفا، وصغر فی عینک الأکوان بتکبیرک ربک؟	هربت منه إلیه؟	رأیت نزول السکينة علیک وأنت علی المرءة؟
تحریر صوفیانه عربی (۳)		سعیّت بذلک بین الخوف والرجاء؟	
تحریر صوفیانه فارسی		چون سعی کردی میان صفا و مروه، مقام صفا و درجه مروت ادراک کردی؟	
تحریر مبتدوم فارسی		گفتی: فی: گفتیش: «چو کردی سعی از صفا سوی مروه بر تقسیم دیدی اندر صفاي خود کونین شد ذات فارغ از جحیم و نعیم؟»	

- در نسخه چاپی حقائق التفسیر سلمی، سؤال به این شکل پرسیده شده که: «خرجت الی الصفا ووقفت بها؟» (سلمی، ص ۱۱۱). اما در کتاب خرگوشی سؤال به این شکل آمده است که: «خرجت الی الصفا فرقیّت علیه؟» در همین کتاب، سؤال «آیا از صفا پایین آمدی؟» به سؤال‌های شبلی افزوده شده است (خرگوشی، ص ۲۴۳) که جمله دوم در خانه روبه‌رو پاسخ به این سؤال است.
- در فتوحات مکیه، سؤال و جواب بدین گونه طرح شده است: «قال لی [الشبلی]: خرجت الی الصفا فوقت بها؟ قلت: نعم. قال: ایش عملت؟ قلت: کثرت سبعا، وذکرت الحج، وسألت الله القبول. فقال لی: کثرت بتکبیر الملائكة، ووجدت حقیقة تکبیرک فی ذلک المكان؟ قلت لا. قال: ما کثرت. ثم قال لی: نزلت من الصفا؟ قلت: نعم. قال: زالت کل علة عنک حتی صفیت؟ قلت: لا. فقال لی: ما صعدت ولا نزلت.» (ابن عربی، ج ۱۰، ص ۱۳۵-۱۳۶).
- در تحریرهای خرگوشی و سلمی، سؤال صرفاً با عبارت «هرولت؟» (آیا هروله کردی؟) پرسیده شده است (خرگوشی، همانجا؛ سلمی، همانجا).
- فتوحات مکیه: «فقررت إلیه، وترت من فرارک، ووصلت الی وجودک؟» (ابن عربی، ج ۱۰، ص ۱۳۶).
- فتوحات مکیه: «وصلت الی المرءة؟ ... رأیت السکينة علی المرءة فأخذتها، أو نزلت علیک؟» (ابن عربی، همانجا).

ردیف	۲۱	۲۱	۲۱
موضوع	رفتن، به یما	وقوف در عرفات	بالا رفتن از جبل الرحمة
تحریر شیعی	نوبتِ اَکْبَرِ اَمْنَتِ النَّاسِ مِنْ اَسَانِكِ وَقَلْبِكَ وَبِدْکِ؟	هل عرفتَ بموقفک بعرفة معرفة الله سبحانه أمر المعارف والعلوم، وعرفت قبض الله على صحيفتك واطلاقه على سريرتك وقلبك؟	نوبتِ بطلوعک جبل الرحمة أن الله یرحم کل مؤمن ومؤمنة ويتولى کل مسلم ومسلمة؟
تحریر صوفیانه (۱)	وجدت ما أثلته من مأمولک فأعطیت؟	عرفت الحال التي خَلَّتْ مِنْ أَجْلِهَا، والحال التي تَصْبِرُ لِبِهَا، وما يَبْرُلُ عَلَيَّ أَهْلُ عِرْفَةَ، وما يَتَحَفُّونَ بِهَ، وعرفت المعرف لك هذه الأحوال، ورأيت المكان الذي اليه الاشارات، فإنه هو الذي نَفَسَ الانفاس في كل حال؟	
تحریر صوفیانه (۲)	أعطيت ما تمنيت؟ ^۱	عرفت الحال التي خَلَّتْ لِبِهَا، والحال التي تَصْبِرُ لِبِهَا؟ وهل عرفت من رزق ما كنت منكراً له؟ وهل تعرف الحق اليك بشيء مما تعرف به الي خواصه؟ ^۲	
تحریر صوفیانه (۳) عربی	أمنت من الخوف بذلک؟	عرفت أن الله يلهي بك ملائکته؟	
تحریر صوفیانه فارسی	چون به منا آمدی، منتیت‌های تو از تو ساقط شد؟	چون به عرفات واقف شدی، اندر کشف مشاهدت وقف پدیدار آمد؟	
تحریر مکتوب فارسی		گفت: فی. گفتمش: «چو در عرفات ایستادی و بافتی تقدیم عارف حق شدی و منکر خویش به تو از معرفت رسید نسیم؟»	

۱. فتوحات مکیه: «تَمَنَّيْتُ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَالِ الَّتِي عَصَيْتَهُ فِيهَا؟» (ابن عربی، همانجا).

۲. فتوحات مکیه: «وعرفت المعرف لك هذه الأحوال، ورأيت المكان الذي اليه الاشارات، فإنه هو الذي نفَسَ

الأنفاس في كل حال؟» (ابن عربی، ج ۱۰، ص ۱۳۷).

ردیف	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
موضوع	شناخت وادی نمره	دعا کردن در میل و جموات / نمرات (۹)	نماز پیش از گذشتن از علمین	گذشتن از علمین
تحریر شعبی	قنویت عند نمره انک لا تأمر حتی تأتمر، ولا تترجر حتی تنزجر؟	فعدنما وقت عند العلم والمرت نوبت ^(۹) أنها نناهمة لك على الطاعات، حافظه لك مع الحفظه بأمر رب السماوات؟	أبها فحين صليت ركعتين نوبت أبها صلاة شكر في ليلة عشر، تنفي كل ^(۱۰) عشر وتبستر كل يسر؟	فعدنما مشيت بين العلمين ولم تعدل عنهما يمينا ^(۱۱) وشمالا نوبت أن لا تعدل عن دين الحق يمينا ^(۱۲) وشمالا، لا يقلبك، ولا بلسانك، ولا بجوارحك؟
تحریر صوفیانه (۱)				
تحریر صوفیانه (۲)				
تحریر صوفیانه (۳)				
تحریر صوفیانه فارسی				
تحریر مبتلوم فارسی				

ردیف	۴	۴	۲	۴
موضوع	مزدلفه (و سنگ‌ریزه جمع کردن)	مشعر الحرام	رسیدن به مینا	رمی جمرات
تحریر شیعی	فعدنما مشیت بمزدلفه و لقطت منها الصبی نوبت ائک رفعت عنک کل معصیة و جهل و نیت کل علم و عمل؟	فعدنما مرت بالمشعر الحرام، نوبت ائک اشعرت قلبک ایشمار أهل التقوی والخوف لله عزوجل؟	فنبوت عدنما وصلت منی و رمیت الجمر ائک بلغت الی ممالکک وقد قضی ریک لک کل حاجتک؟	فعدنما رمیت الجمر نوبت ائک رمیت عدوی الیس و غضبته بتمام حجک النفس؟
تحریر صوفیانه (۱) عربی	ذکرت الله تعالی ذکرًا أنساک ذکرًا ما سواه؟ ^۱			
تحریر صوفیانه (۲) عربی		ذکرت الله فیہ ذکرًا أنساک فیہ ذکر من سواه؟ وهل شعرت بماذا اجبت و بماذا خوطبت؟		رمیت جهاک مک بزبادة علم طهر عملک؟ ^۲
تحریر صوفیانه (۳) عربی	هل سکتت بها جوارحک لرحمة الله تعالی؟	استشعرت بشعائر اهل الولاية؟		رمیت بذلک عبودک کما؟ ^۳
تحریر صوفیانه فارسی	چون به مزدلفه شدی، و مرادت حاصل شد، همه مرادها را ترک کردی؟			چون سنگ انداختی، هر چه با تو صحبت کرد از معانی نفسانی، همه بینداختی؟ سنگ جمار همی انداختی به دیو رحیم از خود انداختی برون یکسر همه عادات و فعل‌های
تحریر مثنوی فارسی				

۱. در تحریر خرگوشی، این پرسش در پی این سؤال که آیا به مزدلفه رفتی و مشعر الحرام را دیدی، طرح شده است (خرگوشی، همانجا).
۲. فتوحات مکیه: «فترت الی المزدلفه؟ ... رأیت المشعر الحرام؟ ... ذکرت الله ذکرًا أنساک ما سواه، فاشتغلت به؟» (ابن عربی، همانجا).
۳. فتوحات مکیه: «ظهر علیک» به جای «ظهر عملک». این بند نیز افزوده شده است: «حلققت؟ ... نقصت آمالک عنک؟» (ابن عربی، همانجا).

ردیف	۳۱	۳۲
موضوع	سر تراشیدن (حلق)	قرآنی کردن
تحریر شعبی	فعمدما حلقفت رأسک، نوبت اُنک تظہرت من الأذناس ومن تبعه بقی آدم وخرجت من الذنوب کما ولدت أمک؟	فعمدما ذبحت هدیک نوبت اُنک ذبحت حَجْرَةَ الطمیع بما تمسکت به من حقیقة الروع، وأنک اتبعت ستة ابراهیم(ع) بذبح ولده وشجرة فؤاده وریحان قلبه، وأحسیت ستته لمن بعده وقریه الی الله تعالی لمن خلفه؟
تحریر صوفیانه عربی (۱)	نفضت آمالک عنک؟	[ذبحت] نفسک؟
تحریر صوفیانه عربی (۲)		أفیسیت شہواتک وازادک فی رضا الحق؟
تحریر صوفیانه عربی (۳)	نوبت بذاک اسقاط الذنوب والأذناس کما؟	نوبت بذاک اُنک ذبحت عدوکی ابلیس؟
تحریر صوفیانه فارسی		چون به منحرقه قرآن کردی، همه خواسته‌های نفس را قرآن کردی؟
تحریر مبتلوم فارسی		گفت: فی، گفتنش: «چو می‌گشتی گوسپند از پی اسیر و پیغم قرب خود دیدی اول و کردی قتل و قرآن نفس دون لبیم؟»

۱. فتوحات مکیه: «ذبحت نفسک؟» (ابن عربی، همانجا).

ردیف	۳	۴	۵
موضوع	مسجد خیف	بارگشت به مکه و طواف اقامه	زیارت کردن
تحریر شیعی	فعلیما صلّیت فی مسجد الخیف نوبت اُک لا تخاف الا الله عزّ وجلّ وذبک ولا ترجو الا رحمة الله تعالی؟	فعلیما رجعت الی مکه وطلت طواف الإقاضة نوبت اُک اُقضت من رحمة الله تعالی ورجعت الی طاعته وتمسکت بوجه وأذیت فراغته، وتقرّبت الی الله تعالی؟	کشف لک عنی زرتی؟
تحریر صوفیانه (۱) عربی	خفت الله عزّ وجلّ فی دخولک وخروجک حتی وجدت من الخوف ما لم تجده الا فیہ؟		
تحریر صوفیانه (۲) عربی	... هل تجده علیک خوف بدخولک مسجد الخیف؟ ^۱		کوشفت شیعا من الحقائق، او رأیت زیاده الکرامات علیک للزیارة، فإن النبی (ص) قال: «الحاجّ والعمّار زوّار الله، وحقّ علی المذوّر أن یکرم زائرهم»
تحریر صوفیانه (۳) عربی		نوبت اُک رجعت عن کل ما سوی الله تعالی؟	
تحریر صوفیانه فارسی			
تحریر مکتوب فارسی			

۱. فتوحات مکیه: «خفت الله في دخولك وخروجك، ووجدت من الخوف ما لا تجده الا فيه؟» (ابن عربي، همانجا).

ردیف	۱	۲	منبع
موضوع	خروج از احرام	وداع گفتن	
تحریر شعبی			شوشتری، بی تا / اسده ۱۲، ص ۲۴۰-۲۴۲
تحریر صوفیانه (۱) عربی			خرگوشی، ۱۹۹۹م، ص ۲۴۲-۲۴۳
تحریر صوفیانه (۲) عربی	أحلت؟ ... عزم علی أكل الحلال؟	خروجت من نفسک وروحک بالکلیه؟	سلمی، ۲۰۰۱م، ص ۱۱۰-۱۱۲؛ ابن عربی، ۱۹۸۵م، ج ۱۰، ص ۱۳۳-۱۳۸
تحریر صوفیانه (۳) عربی			خوارزمی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۷-۱۸۸
تحریر صوفیانه فارسی			هجوری، ۱۳۷۴، ص ۴۷۴-۴۷۵
تحریر مبتلوم فارسی			ناصر خسرو، ۱۳۰۴-۱۳۰۷، ص ۲۵۹-۲۶۰

منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م). *مثير العزم الساکن الی اشرف الاماکن*، تحقیق: مرزوق علی ابراهیم، الرياض، دار الراية، چاپ اول.
۲. ابن عربی، محمد بن محمد (۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م). *الفتوحات المکیة*، تحقیق: عثمان یحیی، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۳. *اسرار الحج فی حوار بین الامام زین العابدین علیهما السلام والشبلی (بی تا)*. بی جا، بی نا.
۴. اشرفزاده، رضا (۱۳۸۶). «ناصر خسرو و تأویل مناسک حج»، *فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، شماره ۱۴.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). *صهای صفا*، نشر مشعر.
۶. _____ (۱۳۷۷). *صهای حج*، قم، اسراء، چاپ اول.
۷. حائری، جعفر عباس (۱۴۲۵ق) *بلاغة الامام علی بن الحسین علیهما السلام: خطب و رسائل و کلمات*، قم، دار الحدیث.
۸. حائری، عبدالحسین (۱۳۴۶) *فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی* (ج ۹/۱)، تهران، چاپخانه مجلس شورای ملی.
۹. حسینی جلالی، سید محمدرضا (۱۴۱۸ق). *جهاد الامام السجّاد علیهما السلام*، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
۱۰. حسینی حائری، سید کاظم (۱۴۳۰ق). *تزکیة النفس*، قم، دار البشیر، چاپ اول.
۱۱. خامه یار، احمد (۱۳۹۷). «عرفات و بناهای آن در گذر تاریخ»، *میقات حج*، شماره ۱۰۴.
۱۲. خرگوشی، عبدالملک بن محمد (۱۹۹۹م). *تهذیب الاسرار*، تحقیق: بسام محمد بارود، ابوظبی، المجمع الثقافي.
۱۳. خوارزمی، محمد بن اسحاق (۱۴۲۰ق / ۲۰۰۰م). *اثارة الترغیب والتشویق الی تاریخ المساجد الثلاثة والبيت العتیق*، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۱۴. دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹). *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.

۱۵. سلمی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م). *طبقات الصوفیة، تحقیق: نورالدین شریه، «القاهره، مطبعة الخانجی، چاپ دوم.*
۱۶. _____ (۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م). *حقاتق التفسیر، بیروت، دارالکتب العلمیة.*
۱۷. شوشتری، عبدالله بن نورالدین (بی تا / سده ۱۲ق). *التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنیة، نسخه خطی شماره ۴۷۳۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.*
۱۸. قائی، محمد (۱۴۲۹ق). *المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة: الحج والمعرة (۱)، قم، مرکز فقه الأئمة الاطهار، چاپ اول.*
۱۹. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م). *الرسالة القشیریة، بیروت، دار الکتب العلمیة.*
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶). *حج و عمره در قرآن و حدیث، با همکاری عبدالهادی مسعودی، ترجمه جواد محدثی، تهران، مشعر، چاپ اول.*
۲۱. ناصر خسرو (۱۳۰۴-۱۳۰۷ش). *دیوان قصاید و مقطعات، تهران، مطبعه مجلس.*
۲۲. *نسخه های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران - دفتر ۷ (۱۳۵۳). زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران، بی نا.*
۲۳. *نسخه های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران - دفتر ۱۱ و ۱۲ (۱۳۶۲). زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و اسماعیل حاکمی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.*
۲۴. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۷ق) *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیہ السلام لإحياء التراث.*
۲۵. هجویری، علی بن عثمان (۱۳۷۴). *کشف المحجوب، تصحیح محمدحسین تسییحی (رها)، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.*
۲۶. _____ (۱۳۸۳). *کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، تهران، سروش.*
۲۷. _____ (۱۹۲۶م). *کشف المحجوب، تصحیح والتین ژوکوفسکی، لنینگراد، مطبعه دارالعلوم اتحاد جماهیر شوروی.*

پژوهشنامه حج و زیارت

سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۲

بهار ۱۴۰۰

صفحات ۱۷۵-۱۹۹

